



Investigating the Economic Effects of Budget Allocation Manner to the Border Provinces of the Country Based on Their Needs and Capacity (Panel Data Approach)

Mohammad Ghafari Fard*, Mohammad Reza Shujaie**

Abstract

Economic inequality and regional discrimination are one of the factors influencing the economic growth of countries and regions. In a way, discrimination in government budgeting and economic inequalities in different parts of the country deprives people of trust in government functions and affects macroeconomic variables. Therefore, the purpose of this study is investigation of government budgeting distribution and the impact of economic discrimination on GDP of sixteen Iranian border provinces. For analyzing of data evIEWS9 software environment and panel data model method have been used. The results of this study show that the variable of distribution of budget between provinces has a negative and significant effect on the GDP of border provinces, which decreases by 0.263% with increasing discrimination in the way of distribution of budget in border provinces. The variables of export value of goods and services, labor productivity, paying zakat and number of scientific experts each have positive and significant effect on GDP of border provinces. Therefore, in order to increase GDP in border provinces, it is recommended, in addition to apply export promotion policies, improve labor productivity, promote human capital, encourages people to pay zakat, all the needs and capacities of these provinces to allocate state budget funds to be considered.

Keywords: Economic discrimination, GDP, Border provinces, Panel data

JEL Classification: H72, R12, O23

* assistant professor, Islamic Economics Department, International University of Ahlul-Bayt(AS), Tehran, Iran. (corresponding author) Mghunivers1390@gmail.com

** Master Student of Economics, Islamic Economics department, International University of Ahlul-Bayt(AS), Tehran, Iran. mohammadrezashujaie57@gmail.com

شاپا چاپی: ۱۸۰۹ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۱۹۹۸ - ۲۷۱۷

نشریه علمی

«پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی»

(پاییز ۱۳۹۹، سال اول، شماره ۳: ۱۴۹ - ۱۰۹)



بررسی آثار اقتصادی نحوه تخصیص بودجه به استان‌های مرزی کشور براساس نیاز و ظرفیت آنها (رویکرد پنل دیتا)

محمد غفاری فرد*، محمدرضا شجاعی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۴

چکیده

نابرابری‌های اقتصادی و تبعیض منطقه‌ای یکی از عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورهاست؛ به نحوی که تبعیض در بودجه‌ریزی دولت و نابرابری‌های اقتصادی در مناطق مختلف باعث سلب اعتماد مردم نسبت به کارکردهای دولت شده و بر متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارد. از این رو، هدف این تحقیق، بررسی توزیع بودجه‌ریزی دولت و اثرگذاری تبعیض اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی شانزده استان مرزی است. برای تحلیل داده‌های این تحقیق از محیط نرم‌افزار Eviews9 و روش مدل داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیر نحوه توزیع بودجه بین استان‌ها اثر منفی و معنی‌دار بر تولید ناخالص داخلی استان‌های مرزی دارد که با افزایش تبعیض در نحوه توزیع بودجه در استان‌های مرزی، تولید ناخالص داخلی به میزان ۰/۲۶۳ درصد کاهش می‌یابد. متغیرهای ارزش صادرات کالا و خدمات، بهره‌وری نیروی کار، پرداخت زکات و نیروی انسانی هرکدام اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی استان‌های مرزی دارد. جهت افزایش تولید ناخالص داخلی استان‌های مرزی پیشنهاد می‌شود علاوه بر اعمال سیاست‌های توسعه صادرات، بهبود بهره‌وری نیروی کار، ارتقای سرمایه انسانی و تشویق مردم به پرداخت زکات، تمام نیازها و ظرفیت‌های این استان‌ها جهت اختصاص بودجه دولتی مدنظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: تبعیض اقتصادی؛ تولید ناخالص داخلی؛ استان‌های مرزی؛ پانل دیتا

طبقه‌بندی JEL: O23, R12, H72

* استادیار، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mghunivers1390@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

mohammadrezashujaie57@gmail.com

مقدمه

واژه تبعیض، مفهومی است که مردم در تمام نقاط جهان و خصوصاً در کشورهای جهان سوم از این پدیده شوم رنج می‌برند. نابرابری و نادیده گرفتن حقوق مردم در جامعه، فخرفروشی یک دسته از افراد جامعه بر گروه دیگر، برخورد ناسالم با معلولان و معیوبان و نابرابری‌های توسعه‌ای در یک کشور همه نشان‌دهنده مفهوم تبعیض هستند. این پدیده به‌طور مستقیم روی آسایش و رفاه جامعه اثر منفی می‌گذارد و امروزه تبعیض بیشتر در کشورهای جهان سوم در توزیع بودجه‌های دولتی (جاری و عمرانی) بین مناطق اتفاق می‌افتد (ملکی شهریور، ۱۳۹۷: ۳۳). بودجه‌ریزی یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که سیاست‌مداران دولتی از طریق آن به سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود دست پیدا می‌کنند. حساسیت‌های رفتار اقتصادی دولت در تخصیص بودجه بین استان‌ها روی توسعه منطقه‌ای تأثیر بسزایی دارد و همواره مورد توجه سیاست‌مداران بوده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸).

براساس فاصله طبقاتی و توزیع نابرابری فقر موجود در استان‌های ایران، امام خمینی (ره) بیان داشته‌اند که «محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ماست. همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بر بندد (صحیفه نور جلد ۲۰: ۱۲۹). اگر در جامعه اسلامی اختلاف طبقاتی شدید وجود داشته باشد، آن جامعه فقط صورت اسلامی دارد و از محتوای اسلام بی بهره است» (صحیفه نور جلد ۷: ۳۹). حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) وجود فاصله طبقاتی بین مردم و دولت‌مردان و کارگزاران و همچنان نفوذ ثروتمندان را در حکومت، نوعی تبعیض می‌پندارد که پدیدآورنده تهدید نرم اقتصادی در جامعه است. براساس بیانات مقام معظم رهبری سه عامل که باعث تباهی جامعه می‌شود عبارت است از فساد، فقر و تبعیض. اگر با این سه عامل در کشور مبارزه شود، اصلاحات واقعی، حقیقی، انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. مشکلات امروزی کشور فساد، فقر و تبعیض است که موجب تهدیدات امنیتی در جامعه می‌گردد. برای اینکه یک کشوری رو به پیشرفت باشد، انواع تبعیض منفی که موجب فاصله طبقاتی در استان‌های مختلف کشور می‌شود، باید از بین برده شود

و یا اینکه به حداقل برسد، زیرا وجود تبعیض در یک جامعه انواع مشکلات اجتماعی را به بار آورده و فاصله مردم در جامعه را افزایش می‌دهد و ادامه آن نابسامانی‌ها را بیشتر می‌نماید (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

در ابتدای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیه مبارکه «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» روبرو می‌شویم که این آیه مبارکه، بیان‌کننده بعثت پیامبران برای عدل و برابری بوده و از تبعیض‌های گوناگون که مهم‌ترین آن تبعیض اقتصادی بین مناطق مختلف و مردم یک جامعه است، جلوگیری می‌نماید. با تکیه بر آیه مبارکه فوق و فرمایشات مقام معظم رهبری در قسمت‌های زیادی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلمات قسط، عدل و برابری ذکر شده که در اصول ۱، ۲، ۳، ۱۴، ۱۹، ۴۸، ۶۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۷۰ و ۱۷۳ درج گردیده است.

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی نیز تبعیض مطرح شده و یکی از ویژگی‌هایی جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی را نبود تبعیض در تمام امور اقتصادی ذکر نموده است: «برخوردار از سلامت رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب» (چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی). از بیانات فوق چینی استنباط می‌شود که اجرای عدالت و رفع تبعیض ناروا یکی از دغدغه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

باتوجه به اینکه استان‌های مرزی ایران موقعیت‌های بسیار مهم و راهبردی را با کشورهای همسایه و جهان تشکیل می‌دهند، بنابراین، تبیین تبعیض اقتصادی بین استان‌های مرزی کشور و توزیع بودجه‌های جاری و عمرانی براساس قسط و عدل در این استان‌ها هدف اصلی این تحقیق است. از این‌رو، تحقیق حاضر به بررسی اثر تبعیض اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی استان‌های مرزی ایران طی سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۰ پرداخته است. سؤال تحقیق این است که آیا براساس ظرفیت و نیاز استان‌های مرزی توزیع بودجه‌های سنواتی صورت گرفته است؟ و این توزیع اعتبار

چه اثری بر تولید ناخالص داخلی آنها داشته است؟ در این تحقیق پس از تبیین مقدمه، مبانی نظری موضوع و مروری بر سوابق تحقیق انجام می‌شود و پس از ارائه روش‌شناسی تحقیق، به یافته‌های تحقیق پرداخته و در نهایت جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی مطرح می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

برای درک بیشتر تبعیض اقتصادی در استان‌های مرزی ایران لازم است تا در قدم نخست خود تبعیض^۱ تعریف شود. تبعیض در لغت تقسیم کردن و بخشی را از بخشی دیگر جدا کردن است و اصطلاحاً تبعیض عبارت است از برخورد یا رفتار غیرمعمول افراد یک جامعه در مورد یک یا چند نفر، مکان و اشیاء که به‌طور استثنا صورت می‌گیرد. تبعیض از دید قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران به معنای «تخصیص امکانات و درآمدهای ملی به استان‌ها بدون رعایت نیازها و استعدادها است که بر بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی اثر دارد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶). کمیته حقوق بشر، تبعیض را «هرگونه تمایز، انحصار، محدودیت یا اولویتی می‌داند که براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، اموال، تولد (نسب) یا دیگر وضعیت‌ها صورت گرفته که هدف آن محروم‌نمودن یا عدم شناسایی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی افراد در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر زمینه‌های عمومی است (ملکی شهرپور، ۱۳۹۷: ۳۵). تبعیض به‌عنوان یک پدیده اجتماعی ساختاریافته تعریف شده است که برای اعضای گروه‌های خاص امتیازات قائل می‌شود و برای گروه‌های دیگر هزینه‌بر است (کربلایی و کرمی، ۱۳۹۸: ۷۷).

تبعیض از لحاظ دسته‌بندی و محل وقوع آن ممکن است به انواع تبعیض جنسیتی، نژادی، قومی، زبانی، دینی، تابعیتی و غیره ظهور نماید و این تبعیض‌ها فقط زمانی می‌تواند کاهش یابد و از بین برود که نوع تفکر بشر و تصورات آنها تغییر نماید و برای تفکیک یک گروه از گروه‌های دیگر دلایل منطقی و موجهی را قبول نماید. موانعی بدتر از تبعیض هم وجود دارد که گاهی در

۱. Discrimination

محیط اقتصادی اتفاق می‌افتد. مثلاً در امریکای آندی^۱ کسانی که به زبان بومی صحبت می‌نمایند و یا اینکه دارای لباس بومی می‌باشند به سختی در محیط شهری و ادارات دولتی کاری به‌دست می‌آورند. این افراد مجبورند تا در محیط روستایی زندگی خود را سپری نمایند و به بخش‌های غیررسمی شهری محدود شده‌اند. درحالی‌که همه می‌دانند در محیط غیررسمی و مناطق روستایی درآمدها و سطح دستمزدها بسیار پایین‌تر از کارکنان بخش دولتی و شهری است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

گاترز^۲ دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با روز جهانی رفع تبعیض نژادی در بیست و یکم مارچ سال ۲۰۱۹ در پیام خود گفته است که "همه ما با انسانیت خود در ارتباط هستیم. همه با هم برابر هستیم. همه باید به دنبال رفاه یکدیگر باشیم". در ادامه بیانات این مقام بلندپایه سازمان ملل متحد آمده است که: روز جهانی رفع تبعیض نژادی برای همه ما فرصتی است تا وعده‌های خود را در رابطه با پایان دادن به نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ترسی و عدم تحمل موضوعات مرتبط با آن، ضد قدرت‌طلبی تمدید کنیم^۳.

تبعیض جنسیتی یکی دیگر از عواملی است که باعث نابرابری‌های گسترده درآمدها و فقر می‌گردد. بسیاری از کارها در عمل متعلق به مردهاست که اشتغال در نیروهای مسلح، پست‌های ارشد در ادارات دولتی، سیاست و غیره مهم‌ترین مصداق این حرف است. در کشورهای جهان سوم بسیاری از شغل‌هاست که به‌طور نامحسوس جلو ورود زنان به آنها را می‌گیرد و از ترقی و پیشرفت زنان جلوگیری می‌نماید. برای زنان فقط شغل‌های مانند منشی‌گری، متصدی فروش و خدمت‌گذاری در خانه در نظر گرفته می‌شود (پناهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴).

نابرابری اقتصادی نه تنها میان افراد یک جامعه به کار برده می‌شود، بلکه در مطالعات شهری و منطقه‌ای نیز کاربرد دارد. در بحث نابرابری‌های منطقه‌ای منظور از آن تنها مربوط به نابرابری

۱. Andy American

۲. Antonio Guterres

۳. www.cepal.org & www.un.org

درآمدی نم‌پیشود، بلکه در رشد جمعیت، ارائه خدمات، ایجاد اشتغال، آموزش و ثروت نیز به کار برده می‌شود. لذا، نابرابری‌های زیادی در کشورها و مناطق مختلف وجود دارد که بعضی مناطق توسعه یافته و بعضی مناطق عقب مانده نگهداشته شده است. چنین نابرابری‌های منطقه‌ای به دو عامل درآمد و اشتغال مرتبط بوده و این عوامل خود به توسعه منطقه‌ای بستگی دارد. با تحلیل نابرابری منطقه‌ای چنین برداشت می‌شود که برای رفع عوامل نابرابری، دولت باید در مناطق کم‌تر توسعه یافته اشتغال ایجاد نماید تا این عمل باعث درآمد و تولید ناخالص داخلی گردد. اگر از دریچه‌ای دیگری به این مفهوم نگاه شود؛ تولید ناخالص منطقه‌ای، کار و سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت، شرایط مسکن و سطح آموزش عوامل مؤثر روی نابرابری منطقه‌ای اثرگذار است و دولت لازم است تا هنگام توزیع یارانه‌ها و کمک‌های بلاعوض و همچنان در زمان بودجه‌ریزی این عوامل مهم را در نظر بگیرد (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

امروزه مطالعاتی که در مورد رشد اقتصادی و نابرابری‌های درآمدی در جامعه صورت می‌گیرد با دو الگو کلاسیک و مدرن سروکار دارد. در الگوی کلاسیک بحث این است که به هر اندازه نابرابری درآمدی افزایش یابد، ثروت بیشتری در دست یک قشر خاص جامعه قرار می‌گیرد و این موضوع باعث می‌شود تا صاحبان ثروت در جامعه سرمایه‌گذاری نمایند که این عمل باعث رشد اقتصادی در جامعه می‌گردد (حیدری و حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۲). نکته‌ای را که طرفداران نئوکلاسیک به آن اعتقاد دارند، همگرایی میان مناطق برای کاهش نابرابری در طی زمان است.

وجود فناوری، مهم‌ترین نظریه برای صحت ادعای این مکتب است. سولو و سوان^۱ (۱۹۵۶) از جمله پیشتازان این نظریه رشد می‌باشند. این دو صاحب‌نظر برای تبیین عوامل رشد از دو معادله استفاده کرده‌اند: اول، تابع تولید و چگونگی ترکیب نهاده‌ها و تبدیل آنها به محصول و دوم، معادله انباشت سرمایه. حالا این سؤال مطرح است که چگونه از انباشت سرمایه، رشد حاصل می‌شود؟ برای پاسخ به سؤال فوق، چنین استدلال می‌شود که اگر چند منطقه دارای مؤلفه‌های مدل رشد برابر باشند و فقط فرق آنها در سطح سرمایه سرانه مؤثر باشد، به مرور زمان به یک سطح

۱. Solow-Swan

سرمایه مؤثر و درآمد سرانه مشابه دست می‌یابند و این عمل دلالت بر کاهش نابرابری میان مناطق در طول زمان دارد. به عبارت دیگر، در مناطقی که مقدار سرمایه زیاد است، به دلیل بازدهی نزولی سرمایه مقدار منفعت حاصل از سرمایه کاهش می‌یابد و بالعکس در مناطق فقیرنشین از مقدار سرمایه کم که در آن مناطق وجود دارد با استفاده از این سرمایه در تولید؛ بازدهی حاصله افزایش می‌یابد و در نتیجه اینکه شکاف درآمدی به مرور زمان از بین می‌رود (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۲). اما الگوی مدرن عکس قضیه کلاسیک‌ها را مطرح نموده است. در الگوی مدرن بیان می‌گردد که به هر اندازه که نابرابری درآمدی کم‌تر باشد، سرمایه انسانی بیشتر شده و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. طرفداران این الگو به کشورهای در حال توسعه اشاره نموده و بیان می‌دارد که طبقه ثروتمند به صرفه‌جویی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مولد علاقه ندارند و همچنان دلیل اصلی کندی رشد اقتصادی و سطح پایین زندگی و فقیرانه اکثر مردم در چنین جوامعی، نابرابری سرمایه‌ای است (حیدری و حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۳).

در رابطه با نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی نظریات زیادی وجود دارد. بارو^۱ (۱۹۹۹) نظریات مربوط به نابرابری و رشد اقتصادی را به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت است از: نواقص بازار اعتبارات، نرخ‌های پس‌انداز، اقتصاد سیاسی و ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی. بازار اعتبارات میزان درآمد مردم و دسترسی افراد جامعه را مشخص می‌کند. اگر نابرابری در یک جامعه بیش‌ازحد باشد مردم با موانع قرض‌گرفتن روبه‌رو هستند که این عمل خود باعث جلوگیری از سرمایه‌گذاری می‌شود. بهره‌وری سرمایه‌های فیزیکی و انسانی که در جامعه با نابرابری زیاد وجود دارد، نسبت به جامعه دیگری که از نابرابری کم‌تری برخوردار است، کم‌تر بوده و به همین ترتیب، درآمد سرانه و رشد اقتصادی آن نیز کم‌تر است.

دسته دوم از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که نرخ پس‌انداز با درآمد رابطه مستقیم دارد؛ یعنی افراد محدودی که ثروتمندان آن جامعه را تشکیل می‌دهند باید پس‌انداز نمایند تا رشد اقتصادی کشور افزون گردد و این دسته علما بیان می‌نمایند که اگر ثروتمندان به فقرا کمک نمایند از

۱. Barro

پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کل کم می‌شود و به‌همین ترتیب رشد اقتصادی نیز کاهش می‌یابد. بنابراین، به هر اندازه که نابرابری زیاد باشد، رشد اقتصادی نیز زیاد خواهد شد. زیرا ثروتمندان جامعه با پس‌انداز بیشتر، باعث رشد بیشتر اقتصادی نسبت به توزیع عادلانه و درآمد در جامعه می‌شوند.

دسته سوم از اندیشمندان، اقتصاد سیاسی را مطرح می‌نمایند. در این بحث، مداخلات دولت و سیاست‌مداران دولتی مطرح است. مثلاً آلسینا، رودریک، پرسون و تابلینی^۱ (۱۹۹۴) بر این عقیده‌اند که اگر درآمد اکثریت رأی‌دهندگان در یک انتخابات کم‌تر از درآمد متوسط جامعه باشد، در این صورت، سیاست توزیع مجدد درآمد را حمایت می‌نمایند که در نتیجه مالیات‌های سنگین روی درآمدهای بالا وضع شده و باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود و این عمل به‌نوبه خود باعث کاهش رشد اقتصادی در جامعه می‌شود.

دسته چهارم نابرابری را موجب ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی می‌دانند. این نظریات بیان می‌نمایند که نابرابری باعث می‌شود تا مردم فقیر مرتکب شورش، جرم و دیگر فعالیت‌های ضدقانونی شوند. ممکن است نهادهای سیاسی و اجتماعی در معرض خطر نابودی قرار گیرند. هنجاری‌های ضدقانونی مردم فقیر باعث از دست دادن زمان و موانع سرمایه‌گذاری می‌شود که ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد و این عمل موجب کاهش بهره‌وری اقتصادی و رشد می‌شود (صمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹).

نوع دیگر از تبعیض در عموم کشورهای امروزی تبعیض بودجه‌ای است. با آنکه دولت‌مردان تلاش می‌کنند از فاصله‌های طبقاتی و فقر بکاهند، اما بازهم حکم‌رانان و سیاسیون با ابزارهای پولی و مالی خویش در جامعه به نحوی تبعیض قائل می‌شوند. مهم‌ترین و اثرگذارترین نوع تبعیض اقتصادی حکومت بین استان‌ها بودجه‌ریزی است که به بعضی استان‌ها کم‌تر از سهم حقیقی و در بعضی استان‌ها بیشتر از آنچه که سهمشان است، اختصاص می‌دهند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). از سوی دیگر، مهم‌ترین هدف بودجه‌ریزی دولت، برقراری عدالت و

۱. Alesina; Rodrik; Persson & Tabellini

بالا بردن شاخص توسعه انسانی است. توسعه انسانی براساس تعریف سازمان ملل متحد دارای سه معیار زندگی سالم و طولانی، برخورداری از دانش کافی و استانداردهای مناسب زندگی است و دولت‌ها تلاش می‌نمایند تا این شاخص توسعه را بالا ببرد. از نظر آمارتیا سن^۱ توسعه اصولاً به بهبود الگوی زندگی افراد یک جامعه مربوط می‌شود که درک عوامل مهم توسعه انسانی و رشد اقتصادی به تصمیم‌گیرندگان دولتی کمک می‌کند تا راه‌های مناسب برای ریشه‌کن کردن پدیده فقر در کشورهای درحال توسعه را تعیین نمایند (ریبئی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵). در این زمینه نکته مهم که اساس مکتب اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهد و اکثر علمای علم اقتصاد از گذشته دور تاکنون به آن توجه داشته و پیاده کردن آن را در متن جامعه الزامی و ضروری می‌دانند عدالت اقتصادی است.

افلاطون روابط اجتماعی را طوری تنظیم و ارزیابی می‌کند تا عدالت در جامعه پدید آید. از نظر افلاطون عدالت اقتصادی دو عامل اساسی دارد: «تقسیم کار بین طبقات پایین دست» و «لغو مالکیت خصوصی در باره ثروت و یک نوع مشارکت بین حکمرانان». در عامل اول، هرکس مطابق استعدادش باید کاری را برعهده بگیرد که آن را نیز انجام دهد، نه اینکه به عهده دیگری واگذارد و از آن درآمدی کسب نماید. در عامل دوم، حکمرانان باید مالکیت خصوصی را لغو و از ظلم، تبعیض اقتصادی و آسیب‌پذیری جامعه بپرهیزند و نظام عدالت اجتماعی را در جامعه پیاده نمایند (نظری، ۱۳۸۳: ۶۸). همچنین، ارسطو به وجود عدالت در جامعه پرداخته و از نظر وی عدالت در جامعه به سه صورت: عدالت کلی، توزیعی و تعویضی پیاده می‌شود. عدالت کلی، مشابه فضیلت بوده و منظور از آن جلوگیری از افراط و تفریط است. در یک جامعه عدالت کلی وقتی تحقق می‌یابد که رفتارهای افراد مطابق قانون باشد. در نظریه ارسطو عدالت توزیعی مهم‌ترین نوع عدالت است، زیرا توزیع درآمد، ثروت و مشاغل براساس شایستگی افراد و جامعه انجام می‌پذیرد و این شایستگی در طبیعت افراد نهفته است. در عدالت تعویضی باید تساوی در مبادله کالاها رعایت شود تا مبادله در جهت طبیعی خود انجام پذیرد (همان: ۷۰).

۱. Amartya Sen

مطالعات داخلی

بای و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خویش نقش تبعیض در محیط کار بر سلامت ذهنی و عملکرد شغلی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه را بررسی نموده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل از مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تبعیض در محیط کار بر سلامت ذهنی و عملکرد شغلی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه اثری منفی و معنی‌دار دارد. پیشنهاد شده است که مدیران ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه با حذف تبعیض در محیط کار، زمینه افزایش سلامت ذهنی و عملکرد شغلی کارکنان خود را فراهم سازد.

مریخ‌نژاد اصل و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقشان به نقش تبعیض‌های قیمتی، حالات نابرابری و قیمت مرجع در رفتار مصرف‌کنندگان پرداخته است. این پژوهش با اجرای دو مطالعه تجربی از انواع طرح‌های عاملی و همکاری ۵۴۰ دانشجوی، تأثیر متغیرهای فوق روی بی‌عدالتی درک‌شده، هیجان منفی، تمایل به خرید دوباره، تبلیغ شفاهی مثبت و ارزش درک‌شده مصرف‌کننده در صنعت مراکز خرید بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطوح مختلف تبعیض قیمتی، واکنش‌های متفاوتی از مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کند. با این حال، تبعیض قیمتی غیرمستقیم بهترین گزینه برای اجرای این سیاست است.

کربلایی و کرمی (۱۳۹۸) تحقیقی را تحت عنوان پیش‌بینی خودکارآمدی براساس تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک‌شده و طرح‌واره‌های نقش جنسیتی زنان در شهر کهریزک انجام داده است. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای تاب‌آوری و طرح‌واره‌های جنسیتی با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیر رویدادهای تبعیض جنسیتی با خودکارآمدی رابطه منفی و معنی‌دار دارد.

ملکی شهرپور (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۳ - ۱۳۶۷ براساس روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده ARDL پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که وجود تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای، نابسامانی‌ها را در سطح جامعه افزایش داده و در بلندمدت تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی داشته است. بدین معنا که تبعیض اقتصادی به میزان ۰/۰۴۷ درصد میزان تولید ناخالص داخلی بدون نفت را کاهش می‌دهد. همچنین توزیع ناعادلانه بودجه بین مناطق می‌تواند نقش مثبت درآمدهای نفتی را بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت خنثی نماید.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود به تبعیض اقتصادی پرداخته و آن را از دیدگاه اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده و بیان کرده است که اگر فرصت‌های شغلی و سرمایه به‌طور درست توزیع نگردد و افراد مستعد و مستحق محروم بمانند دچار نارضایتی و دل‌سردی آنان می‌گردد. با بروز نارضایتی‌های مردم در عرصه‌های گوناگون بی‌قانونی در جامعه زیاد شده و انواع جرایم اقتصادی نیز ظاهر می‌گردد. در ادامه جرایم اقتصادی در جامعه، ناامنی افزایش یافته و در ادامه آن فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری به دلیل افزایش ریسک اجتماعی کاهش یافته و وضعیت اقتصادی به طرف رکود اقتصادی پیش می‌رود.

احمدزاده و نصری (۱۳۹۷) تأثیر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بر شکاف رشد اقتصادی در استان‌های ایران را طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کرده است. نتایج به دست آمده بیان می‌کند که زیرساخت‌های اقتصادی شامل ارتباطات و انرژی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند، اما شاخص ترکیبی زیرساخت اجتماعی که شامل بهداشت و آموزش است، تأثیر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد. طوری که مخارج بهداشت دولت اثر مثبت و معنی‌دار و مخارج آموزش اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی استان‌ها در راستای تأیید همگرایی دارد.

رحمانی و کاوه (۱۳۹۴) مقاله را تحت عنوان "آیا تبعیض جنسیتی عامل بازدارنده رشد اقتصادی کشورهاست؟" برای بیست و شش کشور در دوره زمانی ۲۰۱۰ - ۱۹۹۰ نوشته است. در

این تحقیق ابعاد مختلف تبعیض جنسیتی شامل تبعیض جنسیتی در آموزش، تبعیض جنسیتی در استخدام و تبعیض جنسیتی در دستمزد بررسی شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که تبعیض جنسیتی در آموزش و در دستمزد اثر منفی و تبعیض جنسیتی در استخدام اثر غیر خطی بر رشد اقتصادی می‌گذارد.

پی‌طبری و میل‌علمی (۱۳۹۳) اثر تبعیض جنسیتی در آموزش را بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره زمانی ۱۳۶۹ الی ۱۳۸۹ با استفاده از مدل پنل دیتا بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد و تأکید می‌کند که با افزایش رشد اقتصادی نیز شکاف جنسیتی کاهش می‌یابد.

عزتی (۱۳۹۲) تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در ایران را براساس آمار سال ۱۳۸۹ با استفاده از روش تحلیل محتوا و برای تعریف تبعیض اقتصادی منطقه‌ای بر پایه قانون اساسی بررسی کرده است. وی در این تحقیق ۳۰ استان را به دسته‌های زیان‌دیده و سودبرده از تبعیض مشخص نموده است. نتایج، حاکی از این است که استان‌های خراسان رضوی، اردبیل و اصفهان از جمله استان‌هایی هستند که علیه آنها تبعیض منفی صورت گرفته است، ولی استان‌های تهران، خوزستان و بوشهر استان‌های می‌باشند که برایشان تبعیض مثبت به کار رفته است.

عزتی و همکاران (۱۳۹۲) اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۸ - ۱۳۷۹ با استفاده از روش الگوی پانل دیتا بررسی نموده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تبعیض مثبت به نفع استان‌های با ظرفیت بالا بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد، ولی تبعیض مثبت به نفع استان‌های که نیازهای انسانی بیشتری دارد، بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

مطالعات خارجی

ایویند^۱ (۲۰۱۹) تحقیقی را تحت عنوان^۲ "حمایت از تولیدات داخلی، تبعیض دولت در تجارت بین المللی از زمان آغاز بحران مالی جهانی" براساس روابط تجاری کشورها در عمل

۱. Evenett

انجام داده است. در این مقاله اندازه و میزان تبعیض دولت علیه تجارت بین‌المللی از زمان آغاز بحران مالی جهانی بیان شده است. پژوهشگر در این تحقیق نوشته است که در میان کالاهای جهانی تبعیض صورت گرفته است. دولت‌ها بدون استفاده از افزایش تعرفه‌های کشوری همانند دهه ۱۹۳۰، زمین‌های موات و بدون صاحب را به شرکت‌های محلی واگذار کرده‌اند و از نوامبر سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ روی ۷۰٪ صادرات کالاهای جهانی تعرفه تجارتي وضع نموده است.

بیار و آیتیمایز^۱ (۲۰۱۹) تحقیقی را در کشورهای امریکای لاتین انجام داده و بیان کرده است؛ باآنکه تولید و ثروت جهانی در طی ۴۰ سال گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته است، اما امریکای لاتین در نابرابری‌های درآمدی یکی از مناطق پیشرو در جهان می‌باشد. دوره مطالعه این تحقیق از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۴ است. شاخص‌های مورد مطالعه در این تحقیق بدبختی، فساد و نابرابری درآمدی است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های بدبختی و فساد در افزایش نابرابری‌های درآمدی نقش دارد. همچنان آزمون علیت نشان می‌دهد که بین شاخص بدبختی و نابرابری درآمدی علیت یک‌طرفه و بین فساد و نابرابری درآمدی علیت دوطرفه برقرار است.

ویرنیرس و والا^۲ (۲۰۱۸) تحقیقی را تحت نام ”توجه تبعیض جنسیتی در محیط کار“ انجام داده است. نویسنده بیان می‌کند که در کشورهای پیشرفته صنعتی موضوع برابری جنسیتی در اشتغال به یک سیاست تبدیل شده است که هدف آن مقابله با تبعیض جنسیتی در استخدام، حقوق و ارتقای زنان است. هدف این تحقیق بررسی وضعیت روانی اجتماعی زنان درگیر در تداوم تبعیض جنسیتی علیه زنان است. در معادله ساختاری این تحقیق فرض مادربودن زنان تأیید می‌شود؛ یعنی دلیل تبعیض در استخدام زنان داشتن فرزند و زندگی خانوادگی است.

فیاض و همکاران^۳ (۲۰۱۸) تحقیقی را در پاکستان انجام داده و بیان کرده است که تبعیض جنسیتی در این کشور به‌طور عمومی به‌عنوان یک ویژگی اجتماعی شناخته شده است. باآنکه

۱. Bayar & Aytemiz

۲. Verniers & Vala

۳. Fayaz, Jawad, Wali

شدت تبعیض با فرهنگ‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم متفاوت است، اما این عمل بر رفتار اجتماعی انسان‌ها تأثیر گذار است. نتایج نشان می‌دهد که تبعیض جنسیتی با گردش مالی دانشکده رابطه معنی‌داری دارد.

داهل و کروگ^۱ (۲۰۱۸) تحقیقی را در بازار کار دانمارک انجام داده است که نشان می‌دهد در این بازار تبعیض قومی، نژادی و جنسیتی جریان دارد. برای اثبات تبعیض در این تحقیق یک آزمایش میدانی انجام شده است که برنامه‌های کاربردی ساختگی و غیرواقعی به ادارات رسمی جذب کارمند ارسال شده است. شواهد حاصل از این آزمایش میدانی نشان می‌دهد که در مشاغل مختلف در سراسر کشور به دو دلیل تبعیض جنسیتی و قومی وجود دارد: اول اینکه بیشتر در برنامه‌های کاربردی نام‌های مستعار مردها مورد توجه بوده است و دوم اینکه، نام‌های مورد استفاده تحت گروه‌های مختلف بررسی می‌شود. همچنان نتایج نشان می‌دهد که تماس‌های مجدد قومی باعث انحصار شغل اعلام شده می‌شود.

هاکورا و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نابرابری‌های درآمدی و جنسیتی را بر رشد اقتصادی در مراحل مختلف توسعه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا با رویکرد پنل دیتا مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هر دو نابرابری درآمدی و جنسیتی از جمله محدودیت‌های قانونی مبتنی بر جنسیت، با رشد ناخالص درآمد سرانه رابطه منفی دارد.

کونتی^۳ (۲۰۱۵) به مطالعه‌ای تبعیض مالی و رشد اقتصادی مبتنی بر جنسیت در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که تبعیض جنسیتی در دسترسی به خدمات رسمی مالی میزان رشد تولید ناخالص داخلی این کشورها را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد، اما برعکس با کاهش تبعیض، توسعه بخش مالی افزایش پیدا می‌کند.

۱. Dahl, Krog

۲. Hakura, Mumtaz, Monique, Vimal & Fan

۳. Konte

غتك و گولد^۱ (۲۰۱۵) توسعه، تبعیض و تروریسم داخلی را براساس یک رابطه خطی طی بازه زمانی ۲۰۰۷ - ۱۹۷۰ با استفاده از مدل اقتصادسنجی داده‌های تابلویی مطالعه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی با تروریسم رابطه غیرمستقیم دارد و کشورهای توسعه‌یافته کم‌تر از کشورهای درحال توسعه، تروریسم داخلی را تجربه نموده‌اند، زیرا در کشورهای درحال توسعه به تبعیض اقوام در اقلیت بیشتر دامن می‌زند و این مسئله به افزایش تروریسم داخلی می‌انجامد. محقق همچنین تأکید می‌کند که تبعیض قومی در سطح اقلیت باعث به‌وجود آمدن تروریسم داخلی و در نهایت باعث کند شدن توسعه اقتصادی می‌شود.

پیازا^۲ (۲۰۱۱) به بررسی فقر، تبعیض اقتصادی روی اقلیت و تروریسم داخلی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین مؤلفه فقر و تروریسم توجیه‌پذیر نیست، بلکه عامل تبعیض اقتصادی بر اقلیت‌ها وارد الگو شده و تروریسم داخلی را توجیه‌پذیر نموده است. وی اشاره می‌کند که تبعیض اقتصادی علیه اقلیت، موجب افزایش تروریسم داخلی شده و این امر سبب کاهش توسعه اقتصادی در سطح کل می‌شود.

تیس‌فای^۳ (۲۰۱۰) به مطالعه تأثیر تبعیض در عملکرد و رضایت شغلی در کشور انگلستان پرداخته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که رضایت شغلی براساس مدیریت مؤثر منابع انسانی بهبود می‌یابد و به‌طور مستقیم بر عملکرد کسب‌وکار تأثیر می‌گذارد. وی به این باور است که اگر برخورد مساوی میان کارگران زن و مرد بهره‌وری را افزایش ندهد، به‌طور قطعی تأثیر منفی در محیط کار این دو دسته از اجتماع به‌وجود می‌آید.

اوزر و گونلاگ^۴ (۲۰۱۰) رابطه بین احساس تبعیض، رضایت شغلی و قصد ترک شغل را بر ۶۰۰ نمونه تصادفی از حسابداران حرفه‌ای در ترکیه بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش

۱. Ghatak And Gold

۲. Piazza

۳. Tesfaye

۴. Özer and Günlük

نشان می‌دهد که وجود تبعیض بر قصد ترک شغل اثر مثبت و به رضایت شغلی اثر منفی دارد. چارلز و گورین^۱ (۲۰۰۷)، تعصب و تبعیض اقتصادی در ایالات متحده آمریکا را بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده شکاف دستمزد نژادی در آمریکا می‌باشد و این تعصب نژادی بین سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در آمریکا و خصوصاً میان دولت مردان آمریکا بیشتر است. اولارت^۲ (۲۰۰۴)، به مطالعه‌ای تبعیض جنسیتی و رشد اقتصادی در هند پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده طی دوره زمانی ۱۹۹۱ - ۱۹۶۱ با استفاده از روش پنل دیتا نشان می‌دهد که تبعیض جنسیتی یک عامل ناکارآمد بوده و زنان را از بازار کار و موقعیت‌های مدیریتی دور ساخته است. این تحقیق دو عامل، یکی تحریف در تخصیص استعداد بین مواضع مدیریتی و دیگری سرمایه‌گذاری سرمایه انسانی در نظر گرفته شده است. در نوع اولی تبعیض جنسیتی سبب کاهش رشد اقتصادی و کاهش سرانه تولید ناخالص داخلی و در نوع دوم تبعیض، پایین‌تر بودن تحصیل زنان نسبت به مردان را نشان می‌دهد.

روش‌شناسی تحقیق

منظور از روش در هر پژوهشی، مجموعه فعالیت‌هایی است که جهت نیل به هدف پژوهش صورت می‌گیرد. از مشخصه اصلی روش مناسب، دقیق بودن آن است که نسبت به سایر روش‌های دیگر قوانین واقعیت را کشف کرده و روابط موجود بین متغیرها را تبیین می‌کند. پژوهش حاضر از جهت روش کار از نوع توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی است. در بخش مطالعات آماری، اطلاعات موردنظر به صورت داده‌های سری زمانی و مقطعی (داده‌های ترکیبی)، از بانک مرکزی، مرکز آمار و اطلاعات وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی و بانک داده‌های وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۰ برای ۱۶ استان مرزی گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار Eviews9 با

۱. Charles and Guryan

۲. Berta Esteve-Volart

استفاده از مدل اقتصادسنجی داده‌های تابلویی برآورد شده است. جدول ۱، متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعریف متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته: تولید ناخالص داخلی (LGDP)			
نام متغیر (لگاریتم)	نماد	نام متغیر (لگاریتم)	نماد
تبعیض اقتصادی	LDMT	ارزش صادراتی کالا	LEXV
بهره‌وری نیروی کار	LLP	متخصصین علمی	LPL
مخارج دولت	LG	پرداخت زکات	LZ
درآمدهای مالیاتی	LTXI		

براساس جدول ۱، متغیرهای استفاده شده در مدل به صورت ذیل تعریف می‌شود.

تولید ناخالص داخلی (GDP): تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار، ارزش کالاها و خدماتی گفته می‌شود که در یک مدت معین معمولاً یک سال در منطقه جغرافیایی یک کشور تولید می‌شود (شاگری، ۱۳۹۴: ۵۴).

مخارج دولت (G): عبارت از مجموع هزینه‌های دولت در قالب کالاها و خدماتی است که در سراسر کشور در اختیار مردم قرار داده می‌شود تا برای توسعه و رفاه زندگی مردم به مصرف برسد (سوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

تبعیض اقتصادی (DMT): به معنای تخصیص امکانات و درآمدهای ملی به استان‌ها بدون رعایت نیازها و استعدادهای (ظرفیت‌های) استان‌ها که به بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی اثر دارد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶).

ارزش صادرات کالا و خدمات (EXV): صادرات عبارت از تقاضای خارجیان برای کالاهای داخلی می‌باشد که به دو عامل قیمت نسبی کالاهای خارجی به نسبت کالاهای داخلی و میزان درآمد خارجیان بستگی دارد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

بهره‌وری نیروی کار (LP): عبارت از استفاده حداکثری و به کارگیری منابع انسانی به روش علمی به منظور کاهش هزینه‌ها و رضایت کارکنان، مدیران و مصرف کنندگان می‌باشد.

به عبارت دیگر، استفاده مناسب از نیروی انسانی به منظور حرکت در جهت اهداف سازمان با کم‌ترین زمان و حد اقل هزینه است (شکرچی زاده و اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۴).

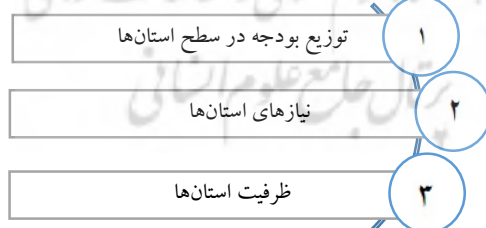
زکات (Z): در اصطلاح شرعی زکات عبارت از پرداخت قسمتی از اموال است که به نه چیز (گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو و گوسفند) تعلق می‌گیرد. اگر کسی یک یا چند نوع از این اموال را داشته باشد با شرایط مشخص شده شریعت باید زکات آن را پرداخت نماید (محقق کابلی، ۱۳۷۹: ۳۷۶).

درآمدهای مالیاتی (TXI): عبارت از پرداخت‌های لازم، اجباری و بلاعوضی می‌باشد که به شخص، مؤسسه، دارایی و غیره موارد تعلق می‌گیرد. در واقع مالیات انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که مطابق طرزالعمل مشخص متعلق به دولت می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۲).

متخصصین علمی (PL): متخصصین علمی به اشخاصی گفته می‌شود که دارای اطلاعات و دانشی کاربردی هستند و یا اینکه درک نظری و منطق استفاده درست از اشیاء را داشته باشند. به عبارتی، متخصص علمی به کسی گفته می‌شود که با داشتن انبوه اطلاعات پاسخ سؤال‌های مبهم کسب‌وکار را کشف نماید (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۱).

روش به‌دست‌آوردن تبعیض اقتصادی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تبعیض اقتصادی بین استان‌ها شاخصی خاص تعریف نشده است، لذا در این قسمت تلاش صورت گرفته تا به تدوین شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای پرداخته شود. آنچه در این تحقیق به کار برده می‌شود، عبارت از الگوی سه‌پایه‌ای ذیل است:



شکل ۱. پایه‌های شاخص سنجش تبعیض اقتصادی

مقدار بودجه در سطح هر استان به دو نوع بودجه‌ای جاری و سرمایه‌ای تفکیک شده است. برای محاسبه شاخص‌های نیاز در این مقاله، امید به زندگی، بیسوادی و جمعیت بیکار هر استان آورده شده است که باید دولت به آنها توجه نموده و برای رفع مشکلات آن اقدام نماید. برای محاسبه استعدادهای و ظرفیت هر یک از استان‌ها سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی، معدن بدون نفت، صنعت، خدمات، جمعیت، مساحت، متخصصین علمی، مرز با تعداد کشورها و تعداد مناطق گردشگری در نظر گرفته شده است. برای شاخص‌سازی تبعیض اقتصادی استان‌های مرزی در ابتدا زیرشاخص‌ها به صورت زیر لحاظ شده‌اند:

۱. بودجه جاری هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۲. بودجه عمرانی هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۳. ارزش‌افزوده محصولات کشاورزی هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۴. ارزش‌افزوده معادن بدون نفت هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۵. ارزش‌افزوده صنعت هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۶. ارزش‌افزوده انواع خدمات هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۷. جمعیت هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۸. مساحت هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۹. متخصصین علمی هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۱۰. مرز با تعداد کشورها و آب‌های هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۱۱. تعداد مناطق گردشگری ثبت‌شده در سازمان جهانی هر استان و درصد آن از کل کشور؛
۱۲. تعداد بیکاران هر استان که به ایجاد شغل نیازمند هستند و درصد آن از کل کشور؛

۱۳. تعداد بیسوادان هر استان که به آموزش نیازمند هستند و درصد آن از کل کشور؛
۱۴. امید به زندگی در هر استان و درصدی آن از کل کشور.
- جهت مقایسه و رتبه‌بندی استان‌ها باید سهم هر استان از کل کشور محاسبه شود. برای انجام این کار از روش ذیل که در جدول ۲ نشان داده شده است، استفاده می‌شود:



جدول ۲. تجزیه و تحلیل آماری داده‌های استان‌های مرزی برای سال‌های مختلف

شماره	شاخص استان i ام از کل استان‌های مرزی	سهم شاخص استان i ام از کل استان‌های مرزی	معادلات
۱	جمعیت استان i ام	سهم جمعیت استان i ام	$pPi = \frac{Pi}{\sum_1^{31} Pi}$
۲	ارزش افزوده ^۱ استان i ام	سهم ارزش افزوده استان i ام	$pVi = \frac{Vi}{\sum_1^{31} Vi}$
۳	مساحت استان i ام	سهم مساحت استان i ام	$pMi = \frac{Mi}{\sum_1^{31} Mi}$
۴	تعداد متخصصین علمی استان i ام	سهم تعداد متخصصین علمی استان i ام	$pEi = \frac{Ei}{\sum_1^{31} Ei}$
۵	تعداد مرزهای ^۲ استان i ام	سهم تعداد مرزهای استان i ام	$pBi = \frac{Bi}{\sum_1^{31} Bi}$
۶	تعداد مناطق گردشگری استان i ام	سهم تعداد مناطق گردشگری استان i ام	$pTPi = \frac{TPi}{\sum_1^{31} TPi}$
۷	تعداد افراد بیکار استان i ام	سهم تعداد بیکاران استان i ام	$pLi = \frac{Li}{\sum_1^{31} Li}$
۸	تعداد بیسوادان استان i ام	سهم تعداد بیسوادان استان i ام	$pIi = \frac{Ii}{\sum_1^{31} Ii}$
۹	امید به زندگی ^۳ استان i ام	سهم امید به زندگی ^۳ استان i ام	$pHi = \frac{Hi}{\sum_1^{31} Hi}$
۱۰	هزینه جاری استان i ام	سهم هزینه جاری استان i ام	$pGi = \frac{Gi}{\sum_1^{31} Gi}$
۱۱	هزینه عمرانی استان i ام	سهم هزینه عمرانی استان i ام	$pCi = \frac{Ci}{\sum_1^{31} Ci}$

پس از محاسبه همه نسبت‌ها برای هر استان، از تقسیم سهم بودجه عمرانی و جاری هر استان بر شاخص‌های نیاز و ظرفیت؛ نسبت‌های شاخص‌های تبعیض براساس نیاز و ظرفیت به دست می‌آید و در گام بعدی میانگین این نسبت‌ها براساس ظرفیت و نیاز به دست می‌آید. پس از دریافت میانگین این دو شاخص، شاخص تبعیض نهایی برای هر استان محاسبه می‌گردد. برای به دست آوردن تبعیض اقتصادی در این تحقیق به پنج قدم مهم پرداخته شده است. در قدم اول تمام نیازها و ظرفیت‌های استان‌های مرزی در برنامه اکسل محاسبه شده است. ارزش افزوده کشاورزی،

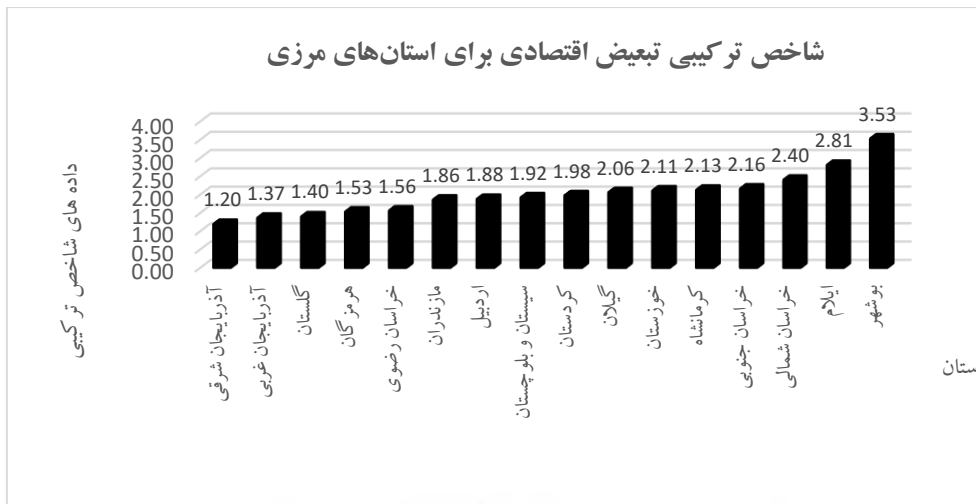
۱. ارزش افزوده هر استان شامل بخش‌های کشاورزی، معدن بدون نفت، صنعت و خدمات می‌باشد.

۲. هر استان ممکن است با دو یا بیشتر کشورها و یا با آب و یا هم‌زمان با دیگر کشورها و آب مرز مشترک داشته باشد.

۳. برای به دست آوردن pHi استان i ام، از مجموع امید به زندگی تمام استان‌ها عدد صد کم شده است.

۴. امید به زندگی معکوس گردیده یعنی امید به زندگی استان i ام از عدد صد کم شده است.

شکار و جنگلداری، معدن بدون نفت، صنعت و خدمات، جمعیت، مساحت، متخصصین علمی، تعداد کشور هم مرز، تعداد مناطق دیدنی به‌عنوان ظرفیت‌های استان‌ها در نظر گرفته شده است. رفع نرخ بیکاری، بیسوادی و ارتقای امید به زندگی به‌عنوان نیازهای استان‌های مرزی در نظر گرفته شده است. همچنان بودجه‌های جاری و سرمایه‌ای نیز برای انجام این تحقیق در نظر گرفته شده است. در قدم دوم، سهم هریک از زیرشاخص‌های تبعیض از کل استان‌های مرزی محاسبه شده است. به‌طورمثال؛ ارزش افزوده صنعت در تمام استان‌های مرزی جمع شده و سپس ارزش افزوده هریک از استان‌ها تقسیم مجموعه ارزش افزوده صنعت شده و سهم هریک از این استان‌ها به‌دست آمده است. مشابه سهم ارزش افزوده صنعت در استان‌های مرزی، سهم تمام زیرشاخص‌ها به‌دست آمده است. در قدم سوم، سهم بودجه‌های جاری و عمرانی هریک از استان‌های مرزی تقسیم سهم هریک از زیر شاخص‌ها براساس ظرفیت و نیاز تعیین شده است. در قدم چهارم، میانگین تمام زیر شاخص‌های ظرفیت و نیاز به‌دست آمده و سپس از میانگین سهم ظرفیت‌ها و نیازهای استان‌های مرزی بار دیگر میانگین گرفته شده و قیمت‌های تمام زیرشاخص‌ها برای استان‌ها به یک عدد تبدیل شده است که نشان‌دهنده تبعیض مستقیم یا غیرمستقیم در استان‌های مربوطه است. در قدم پنجم، اعداد به‌دست آمده برای استان‌های مرزی از کوچک به بزرگ مرتب شده است که در این قسمت تمام استان‌ها به سه دسته تقسیم شده است: دسته اول استان‌هایی که در توزیع بودجه تبعیض مستقیم علیه آنها صورت گرفته و به ضرر آنهاست. دسته دوم استان‌هایی است که در توزیع بودجه تبعیض مستقیم یا غیرمستقیم صورت نگرفته و توزیع بودجه مطابق ظرفیت‌ها و نیازهای آن استان‌هاست. دسته سوم استان‌های است که در توزیع بودجه تبعیض غیرمستقیم صورت گرفته و توزیع بودجه به نفع آن استان‌هاست. مثالی محاسبه تبعیض اقتصادی بین استان‌های مرزی در سال ۹۴ در نمودار ۲ به شرح ذیل آمده است.



نمودار ۱. شاخص ترکیبی تبعیض اقتصادی در توزیع بودجه برای استان‌های مرزی ایران در سال ۹۴
منبع: یافته‌های تحقیق

چنانچه در نمودار ۲ مشاهده می‌گردد از میان استان‌های مرزی در توزیع بودجه استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گلستان، هرمزگان و خراسان رضوی تبعیض مستقیم صورت گرفته که توزیع بودجه با توجه به ظرفیت و نیاز استان به ضرر آنهاست. در توزیع بودجه بین استان‌های مازندران، اردبیل، سیستان و بلوچستان، کردستان و گیلان تبعیض مستقیم یا غیرمستقیم صورت نگرفته و بودجه مطابق ظرفیت‌ها و نیازهایشان توزیع شده است. در توزیع بودجه بین استان‌های خوزستان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، ایلام و بوشهر تبعیض غیرمستقیم صورت گرفته که نشان می‌دهد دولت بیشتر از ظرفیت و نیاز استان بودجه بین آنها توزیع کرده است.

تصریح و تبیین مدل پنل دیتا

در این تحقیق به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. داده‌های ترکیبی به مجموعه‌ای از داده‌هایی گفته می‌شود که به وسیله تعداد زیادی از متغیرهای

مقطعی (N) در دوره زمانی معین (T) مورد بررسی قرار گرفته و برای به دست آوردن این داده‌ها، متغیرهای (N) ضرب دوره‌های زمانی (T) می‌شود تا به نتیجه (N*T) دست یابیم که داده‌های پنلی نامیده می‌شود (ندیم و همکاران، ۱۳۹۸). این مقاطع می‌تواند بیانگر افراد، گروه‌ها، بنگاه‌ها، صنایع، کشورها و ... باشد. دوره زمانی نیز می‌تواند روز، هفته، فصل، سال و ... باشد. بدین ترتیب، مشاهدات مربوط به متغیرهای X و Y با X_{it} و Y_{it} نشان داده می‌شود که مقاطع شامل $i=1,2,3,\dots,N$ و زمان شامل $t=1,2,3,\dots,T$ است (سوری، ۱۳۹۲: ۷۶۵). داده‌های ترکیبی (پنل) محیط بسیار مناسبی برای گسترش روش‌های تخمین و نتایج نظری فراهم می‌سازد و محققان را قادر می‌سازد تا از داده‌های مقطعی و سری زمانی وجود ندارد، پردازند (بالتاجی، ۲۰۰۵: ۱۱۷). برای بنیان‌گذاری مدل پایه برای داده‌های پنل فرض می‌شود که تعداد مقاطع برابر با N، طول دوره برابر با T، و تعداد متغیرهای توضیحی برابر با K باشد، در این صورت مدل داده‌های پنل به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \dots + \beta_k X_{kit} + U_{it} \quad (۱)$$

برای گسترده کردن متغیرها در مقاطع و دوره‌های مختلف چنین نوشته می‌شود:

$$Y = \bar{\beta}X + i_{NT}a + \bar{U} \quad (۲)$$

$$Y = (X : i_{NT}) \begin{bmatrix} \beta \\ \alpha \end{bmatrix} + \bar{U} \rightarrow Y^* = X^* \beta^* + \bar{U} \quad (۳)$$

رتبه ماتریس‌های Y، X و U همگی برابر است با (N^*T^*) ، (سید نورانی و محمدپور،

۱۳۹۷: ۱۴).

در رابطه ۱، I نشان‌دهنده مقاطع، افراد، خانوارها، بنگاه‌ها، کشورها و امثال آن است و t زمان را نشان می‌دهد. در این مدل K متغیر توضیحی (بدون در نظر داشت عرض از مبدأ) می‌باشد که در X_i وجود دارد. برای درک اینکه α چه حالتی به خود بگیرد؛ سه حالت در نظر گرفته می‌شود: حالت اول اینکه اگر هیچ اختلافی بین مقاطع در نظر گرفته شده وجود نداشته باشد، بالاخره α به صورت میانگین تمام مقاطع وارد مدل می‌گردد و در این حالت روش OLS، تخمین کارا و سازگاری از α و β ارائه خواهد داد^۱. حالت دوم اینکه اگر بین مقاطع مختلف که در نظر گرفته شده اختلاف وجود داشته باشد، این اختلاف بین مقاطع در نظر گرفته شده در α_i نشان داده می‌شود که در طول زمان ثابت فرض می‌شوند به این روش، روش اثرات ثابت^۲ می‌گویند. حالت سوم اینکه اگر فرض شود اختلاف بین مقاطع به صورت تصادفی بوده و در طول زمان ثابت نیست، از روش دیگری با عنوان روش اثرات تصادفی^۳، برای تخمین مدل استفاده می‌شود (بالتاجی، ۲۰۰۵: ۱۱۹).

جامعه آماری: در این مقاله، استان‌های مرزی عبارت از آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، خراسان شمالی، گلستان، خراسان رضوی، گیلان، مازندران، خراسان جنوبی، کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، ایلام، بوشهر و خوزستان است که جامعه آماری را تشکیل می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

آمارهای توصیفی: آن دسته از روش‌های آماری که با گروه‌بندی داده‌ها و مشاهدات، نمودارهای آماری، جدول‌های آماری، توصیف عددی مشاهدات و دیگر ویژگی‌های متغیرها در ارتباط هستند، از آنها به عنوان آمار توصیفی یاد می‌شود (نوبخت، ۱۳۹۶: ۱۵۰). آمارهای توصیفی

۱. Pooled Data
۲. Fixed Effect
۳. Random Effect

این تحقیق در جدول ۲ به شرح ذیل درج شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی

متغیر (لگاریتم)	میانگین	میان	ماکزیمم	مینیمم	انحراف استاندارد	تعداد مشاهدات
L(GDP)	۱۹/۰۰۸	۱۸/۸۷۶	۲۱/۶۶۶	۱۷/۱۸۵	۰/۹۸	۸۰
L(G)	۰/۶۶۵	۰/۶۴۹	۱/۲۸۹	۰/۰۳۹	۰/۲۸۲	۸۰
L(DMT)	۱۳/۹۵۲	۱۳/۹۲۷	۱۵/۶۱۴	۱۲/۶۸۲	۰/۶۳۴	۸۰
L(EXV)	۱۳/۳۴	۱۳/۰۶۱	۱۶/۳۵۲	۱۰/۱۹۶	۱/۴۷۹	۸۰
L(LP)	۱/۷	۱/۴۱	۳/۶۱۸	۱/۰۶۷	۰/۷۱۲	۸۰
L(Z)	۱۷/۱۵	۱۷/۱۹۹	۱۹/۱۴۳	۶/۹۰۷	۱/۵۹	۸۰
L(TXI)	۱۳/۹۱۶	۱۳/۹۲۶	۱۵/۶۴۹	۱۲/۳۷	۰/۸۲۶	۸۰
L(PL)	۱۱/۳۹۵	۱۱/۳۲۸	۱۲/۷۱	۱۰/۳۴	۰/۶۲۲	۸۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون هم‌جمعی: دو داده سری زمانی X_t و y_t هم‌انباشته با مرتبه (b, d) ، $d \geq b \geq 0$ نامیده می‌شود. اگر هر دو داده سری زمانی دارای مرتبه انباشتگی d باشند و یک رابطه خطی مانند $a_1 y_t + a_2 x_t$ با مرتبه $(d-b)$ بین آنها برقرار باشد، این تعریف به زبان ریاضی چنین نوشته می‌شود:

$$\begin{aligned} x_t \sim I(d), y_t \sim I(d) \\ \Rightarrow y_t, x_t \sim CI(b, d) \\ a_1 y_t + a_2 x_t \sim I(d - b) \end{aligned}$$

که در آن CI نماد هم‌انباشتگی است. بردار ضرایب تشکیل‌دهنده ترکیب خطی دو سری زمانی، یعنی $[a_1, a_2]$ را بردار هم‌انباشتگی می‌نامند (صدیقی، ۱۳۸۶: ۴۱۱). برای انجام آزمون هم‌انباشتگی داده‌های پانلی، پدرونی^۱ (۲۰۰۴) و کائو^۲ (۱۹۹۹) پس از برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرها، مانند آنچه در مورد سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی انجام می‌شود، از آماره‌های دیکلی

۱. Pedruni

۲. Kao

- فولر^۱ برای آزمون هم‌انباشتگی استفاده کردند:

$$DF_{\rho} = \frac{\sqrt{NT}(\hat{\rho}-1)+3\sqrt{N}}{\sqrt{10.2}}$$

$$DF_t = \sqrt{1.25t_{\rho}} + \sqrt{1.875N}$$

در رابطه‌ی فوق ρ ضریب رگرسیون خطای بلندمدت روی وقفه خطاهای حاصل از تخمین مدل به روش ترکیبی (eit) بصورت زیر است:

$$eit = \rho \hat{e}_{it-1} + \mu_i$$

N در آماره‌های DF_t و DF_{ρ} نشان‌دهنده تعداد مقاطع و T مقدار t استاندارد ضریب رابطه بالاست. آماره‌های استخراج‌شده هردو دارای توزیع بهنجار استاندارد با میانگین صفر و واریانس یک می‌باشند. فرضیه‌های انجام آزمون هم‌انباشتگی داده‌های پانلی به صورت زیر است:

$$H_1: \rho < 1 \quad \& \quad H_0: \rho = 1$$

ضریب H_0 بیانگر عدم هم‌انباشتگی بین متغیرها و تمام واحدهای مقطعی و H_1 نشان‌دهنده وجود هم‌انباشتگی بین متغیر هست (رضازاده و فتاحی، ۱۳۹۶: ۳۸). به عبارت دیگر، آزمون هم‌انباشتگی نشان‌دهنده رابطه بلندمدت و یا کوتاه‌مدت است. برای انجام این آزمون به روش جانسون عمل می‌شود. در این مرحله سه آزمون کائو، پدرونی و فیشر^۲ برای اجرای این عمل وجود دارد و در این تحقیق از آزمون کائو استفاده شده است. نتیجه آزمون هم‌انباشتگی به قرار ذیل است.

جدول ۴. آزمون هم‌جمعی کائو

مقدار آماره T	سطح احتمال
---------------	------------

۱. Dickey fuller

۲. Fisher

۰/۰۰۰	-۵/۵۰۴۹
-------	---------

منبع: محاسبات تحقیق

احتمال به دست آمده در این آزمون ۰/۰۰ می‌باشد که کم‌تر از ۰/۰۵ درصد است. در این آزمون فرضیه H_0 بیان‌کننده رابطه کوتاه‌مدت و فرضیه مخالف (H_1) دارای رابطه بلندمدت می‌باشد. این تحقیق مبنی بر اینکه ارتباط کوتاه‌مدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی برقرار است، رد شده و فرضیه مخالف آن (H_1)، که نشان‌دهنده رابطه بلندمدت است، تأیید شده است. آزمون چاو: گاهی محقق با داده‌هایی روبه‌رو می‌شود که دربرگیرنده داده‌های سری زمانی و هم مقطعی می‌باشد. به چنین مجموعه‌ای از اطلاعات به دست آمده به‌طور عمومی پانل دیتا گفته می‌شود. در تخمین مدل پانل دیتا دو حالت مطرح می‌گردد. اول اینکه عرض از مبدأ برای تمام مقاطع یکسان است که به پول دیتا^۱ یا اطلاعات تلفیقی مشهور است. حالت دوم اینکه عرض از مبدأ برای تمام مقاطع تفاوت دارد که به این حالت پانل دیتا^۲ یا اطلاعات ترکیبی گفته می‌شود. برای شناسایی این دو حالت از آزمونی به نام چاو^۳ (اف - لیمر) استفاده می‌شود. بنابراین، آزمون اف - لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون پانل دیتا استفاده می‌شود. فرضیه‌های این آزمون به صورت زیر بیان می‌شود:

داده‌های تلفیقی: H_0

داده‌های تابلویی: H_1

چنانچه در این آزمون F محاسبه شده بزرگتر از F جدول باشد، فرضیه H_0 رد شده و اثرات ترکیبی یا فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود؛ یعنی باید عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود، ولی در صورتی که مقدار محاسبه شده F کوچکتر از مقدار جدول باشد، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود (مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۹۷). جدول ۵ نتیجه این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتیجه آزمون چاو

۱. Pool data
۲. Panel data
۳. Chow

سطح احتمال	مقدار آماره T
۰/۰۰۰	۵/۵۷۴۹

منبع: محاسبات تحقیق

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار سطح احتمال آن کم‌تر از ۰/۰۵ درصد است و فرضیه H_0 مبنی بر اینکه داده‌ها تلفیقی است، رد شده و فرضیه H_1 تائید می‌شود که بیان‌کننده داده‌های ترکیبی است.

آزمون هاسمن: این آزمون نشان‌دهنده تصادفی بودن یا ثابت بودن اثرات متغیرهاست. آزمون هاسمن بر پایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون برآورد شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است. یعنی وقتی که آزمون چاو جهت تأییدی داده‌های پنلی انجام شد، سؤال خلق می‌گردد که آیا تفاوت در عرض از مبدأ واحدهای مقطعی به طور ثابت عمل می‌کند یا اینکه عملکردهای تصادفی دارد؟ طوری که در الگوی اثرات ثابت فرض بر این است که جزء خطا می‌تواند با متغیرهای توضیحی همبستگی داشته باشد، اما در الگوی اثرات تصادفی فرض می‌شود که همبستگی بین جزء خطا با متغیرهای توضیحی وجود ندارد (سوری، ۱۳۹۲: ۸۰۲). فرضیه‌های این آزمون به صورت زیر مطرح می‌شود.

روش اثرات تصادفی است: H_0

روش اثرات ثابت است: H_1

نتیجه آزمون هاسمن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتیجه آزمون هاسمن

سطح احتمال	آماره کای مربع
۰/۱۵۷۵	۱۰/۵۹۱۲

منبع: محاسبات تحقیق

چنانچه در جدول ۶، مشاهده می‌گردد، مقدار احتمال آزمون بزرگتر از ۰,۰۵ است که برابر

با ۰/۱۵۷۵ می‌باشد و نشان‌دهنده تأیید فرضیه H_0 مبنی بر اینکه اثرات ضرایب متغیرها تصادفی است؛ می‌باشد و فرضیه مخالف یا H_1 ، اثرات ضرایب متغیرهای ثابت رد شده است. به عبارت دیگر؛ آزمون هاسمن نشان می‌دهد که با احتمال ۱۵/۷۵٪ اثرات تصادفی است و با احتمال ۸۴/۲۵٪ اثرات ثابت می‌باشد.

برآورد مدل: برای تخمین معادله رگرسیون از نرم‌افزار Eviews9 با استفاده از روش پنل دیتا استفاده شده است که نتایج تخمین در جدول ۷ به شرح ذیل درج شده است.

جدول ۷. معادله تخمینی رگرسیون

Variable	Coefficient	t-Statistic	Prob.
C	7.024	2.345	0.022
LG	0.233	3.21	0.002
LDMT	-0.263	-1.945	0.056
LEXV	0.105	1.882	0.065
LLP	0.239	1.869	0.066
LZ	0.075	2.326	0.023
LTXI	0.149	1.767	0.082
LPL	0.906	2.493	0.015
R2=0.967774	F-statistic=77.80726		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

کینز^۱ مانند فریدریک لیست^۲ و برخی از دیگر کلاسیک‌های جدید، لزوم دخالت دولت در اقتصاد و افزایش مخارج را به دلیل عدم کارایی دست نامرئی و خود تعادلی اقتصاد مطرح نموده و دخالت‌های دولت را از طریق افزایش و کاهش مخارج ضروری حیاتی می‌داند (خداویسی و عزتی شورگلی، ۱۳۹۵: ۳۳۱). چنانچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود مخارج دولت با درجه معنی‌داری ۹۹/۸٪ اثر مثبت روی تولید ناخالص داخلی دارد. ضریب این متغیر برابر با ۰/۲۳۳ بوده؛ به این

۱. Keynes

۲. Friedrich List

معناکه با تغییر یک واحد مخارج دولت به اندازه ۰,۲۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

تبعیض و نابرابری آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های جامعه را افزایش می‌دهد که این امر به‌نوبه خود بی‌ثباتی‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی را به‌وجود می‌آورد و در نتیجه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد و همچنان تبعیض اقتصادی اثرات مثبت درآمدهای نفتی کشور را نیز خنثی می‌نماید (ملکی شهریور، ۱۳۹۷: ۵۸). درجه معنی‌داری این متغیر ۰/۹۴/۴ است که اثر منفی و معنی‌داری روی تولید ناخالص داخلی دارد. ضریب این متغیر برابر با ۰/۲۶۳- است که با افزایش تبعیض در استان‌های مرزی تولید ناخالص داخلی به اندازه ۰/۲۶۳ درصد کاهش می‌یابد. البته ناگفته نماند که تبعیض مثبت به نفع بعضی استان‌های دارای ظرفیت بالاست و باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود. به‌طورمثال به هر اندازه که برای ترمیم و حفظ مناطق گردشگری تاریخی و فرهنگی در یک استان مرزی بودجه بیشتری مصرف شود، به همان اندازه، استان مربوطه توریست‌های داخلی و خارجی بیشتری جذب نموده و بدین ترتیب باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود.

تجارت خارجی به دو مقوله صادرات و واردات خلاصه می‌شود که یکی از عوامل مؤثر بر تقاضای کل و تولید ناخالص داخلی است. تشویق صادرات و تسهیل در واردات و خصوصاً واردات مواد خام و یا مواد واسطه، محرک تولید ناخالص داخلی است. با تسهیلات و افزایش صادرات تاجران بیشتر تشویق شده و به رقابت می‌پردازند و در نتیجه صادرات افزایش می‌یابد که به‌همین ترتیب تولید ناخالص داخلی نیز افزایش می‌یابد (دژپسند و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱). ارزش صادرات کالا و خدمات در این تحقیق اثر مثبت و معنی‌داری روی تولید ناخالص داخلی دارد که درجه معنی‌داری آن برابر با ۰/۹۳/۵ است. ضریب این متغیر برابر با ۰/۱۰۵ است که با افزایش یک واحد صادرات کالاها و خدمات به اندازه ۰/۱۰۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

بهره‌وری نیروی کار یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی است. در برنامه‌های بلندمدت اقتصادی بهره‌وری نیروی انسانی یکی از اساسی‌ترین هدف‌های یک جامعه

است. به کارگیری نیروی کار ماهر در یک فعالیت تولیدی بیشترین اثر را نسبت به دیگر عوامل بر تولید ناخالص داخلی دارد (صباحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۵). در این تحقیق بهره‌وری نیروی کار با درجه معنی‌داری ۹۳/۴٪ اثر مثبت روی تولید ناخالص داخلی دارد. ضریب این متغیر ۰/۲۳۹ می‌باشد که با افزایش یک واحد در بهره‌وری نیروی کار به اندازه ۰/۲۳۹ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

زکات نوعی مالیات است که در کشورهای اسلامی پرداخت می‌شود. پرداخت زکات نابرابری‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد و به مرور زمان وضعیت اقتصادی فقرا بهبود می‌یابد و در نتیجه سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یافته و عرضه و تقاضا زیاد می‌شود که منافع سرمایه‌گذاران نیز به‌نوبه خود افزایش می‌یابد و در نهایت پرداخت زکات باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود (بادپا، ۱۳۹۸: ۳۱۸). پرداخت زکات در این تحقیق اثر مثبت و معنی‌داری روی تولید ناخالص داخلی دارد که قیمت آن ۹۷/۷٪ است. ضریب این متغیر ۰/۰۷۵ است که با افزایش یک واحد در پرداخت زکات به اندازه ۰/۰۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

در مورد چگونگی جمع‌آوری مالیات و اثرات آن نظریات گوناگونی وجود دارد. الگوی رشد نئوکلاسیک‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت و خصوصاً مالیات‌ها می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی اثر مثبت داشته باشد (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷). ضریب معنی‌دار متغیر مالیات برابر با ۰/۱۴۹ است که با افزایش یک واحد در نرخ مالیات به اندازه ۰/۱۴۹ درصد به تولید ناخالص داخلی اضافه می‌گردد.

دانش به‌عنوان یکی از نیروی مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود و یکی از این منابع و محرک دانشی، کارگران دانشی است. کارگران دانشی برای اولین بار توسط پیتر دراکر در سال ۱۹۷۳ مطرح شد و او کارگران دانشی را چنین تعریف نمود: «شخصی است که نسبت به سایرین از علم و تخصص بیشتری از شغلش برخوردار است». کارگر دانشی یکی از متغیرهای اساسی بر تولید ناخالص داخلی در هر جامعه محسوب می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۱). متخصصین علمی در این تحقیق اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی داشته

است. ضریب این متغیر ۰/۹۰۶ است که با افزایش یک نفر در بخش متخصصین علمی به اندازه ۰/۹۰۶ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. با در نظر داشت ضرایب و درجه معنی‌داری تمام متغیرها، معادله رگرسیون آن به قرار ذیل است:

$$LGDP = 7.024 + 0.233LG - 0.263LDMT + 0.105LEXV + 0.239LLP + 0.075LZ + 0.149LTXI + 0.906LPL \dots \dots (4) \text{ رابطه}$$

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تبعیض ناروا در جامعه اثرات نامطلوب دارد؛ به‌نحوی که مقام معظم رهبری در بیشتر سخنرانی‌های خود از این پدیده ناپسند سخن به میان آورده و جهت رفع آن تأکیدات زیادی نموده‌اند. مکاتب اقتصاد متعارف درباره تبعیض و نابرابری درآمدی به‌طور کلی دو الگو را مطرح نموده است. الگوی اول مربوط به مکتب کلاسیک‌هاست که این صاحب‌نظران بیان کرده‌اند که نابرابری درآمدی بیشتر در جامعه باعث رشد اقتصادی می‌گردد؛ زیرا ثروت به دست عده کمی از مردم قرار می‌گیرد و این عمل موجب سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در جامعه می‌شود. الگوی دوم معتقد است به هر اندازه نابرابری درآمدی در جامعه کم‌تر شود، رشد اقتصادی بیشتر می‌گردد. بارو (۱۹۹۹) نظریات مربوط به نابرابری و رشد اقتصادی را به چهار دسته تقسیم کرده است که عبارت است از: نواقص بازار اعتبارات، نرخ‌های پسرانداز، اقتصاد سیاسی و ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی.

در این تحقیق به مطالعه تأثیر نابرابری (تبعیض) بر تولید ناخالص داخلی استان‌های مرزی ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ - ۱۳۹۴ پرداخته شده است. در ابتدا مشخص شد که توزیع بودجه بین استان‌های مرزی کشور طی سال‌های مختلف براساس ظرفیت و نیاز هر استان نابرابر توزیع شده است. پس از انجام آزمون‌های هم‌جمعی، چاو و هاسمن و تخمین مدل با روش پنل دیتا مشخص شد که در بلندمدت متغیرهای توضیحی بر تولید ناخالص داخلی اثر معنی‌داری داشته است. متغیر

تبعیض اقتصادی تأثیر منفی و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین، دولت باید تلاش نماید تا تبعیض بودجه‌ای را تا حد ممکن کاهش دهد. بودجه سالانه به دو بخش بودجه جاری و عمرانی تقسیم می‌گردد که باید مطابق نیازها و ظرفیت‌های تمام استان‌های ایران و خصوصاً مطابق نیازها و ظرفیت‌های استان‌های مرزی تخصیص داده شود. لازم به یاد آوری است که تبعیض مثبت به نفع استان‌های که دارای ظرفیت بالا می‌باشند، باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌گردد. کاهش بیکاری، بیسودی و توسعه بهداشت و امید به زندگی مهم‌ترین نیازهای هر استان است و دولت باید برای هر استان مطابق با این نیازها و ظرفیت‌هایشان در عرصه‌های منابع و امکانات تولیدی بودجه‌ریزی نماید تا از این تبعیض ناروا جلوگیری کرده و در نتیجه با این کار باعث افزایش تولید ناخالص داخلی شود.

مخارج دولت، یک متغیر کمکی بوده که اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین، دولت می‌باید با تخصیص بودجه به امور عمرانی جهت توسعه و رونق اقتصادی در استان‌های مرزی، گام‌های اساسی بردارد. صادرات کالا و خدمات اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی دارد. با افزایش صادرات و فروش مازاد کالاهای داخلی در دیگر کشورها سودی زیادی به خزانه دولت و کشور واریز می‌شود که این عمل به نوبه خود باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌گردد.

بهره‌وری نیروی کار و متخصصین علمی نیز از جمله متغیرهایی می‌باشند که اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی دارد. به هر اندازه که نیروی کار متخصص در بخش‌های مختلف وارد بازار کار شود، به همان اندازه در تولید کالاها و خدمات اثربخشی و کارایی ایجاد می‌شود که استفاده مؤثر از سرمایه و مواد خام اولیه برای تولید کالاها و خدمات روی تولید ناخالص داخلی اثر می‌گذارد.

پرداخت زکات و مالیات بر تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌داری دارد. پرداخت زکات یک نوع مالیه اسلامی است که دین مقدس اسلام آن را برای مسلمانان که توان پرداخت آن را دارند، واجب گردانیده است. درآمد کشور با دریافت این نوع مالیات‌ها افزایش یافته و

سپس با پرداخت کمک‌های بلاعوض دولت به خانواده‌های فقیر؛ بستر مناسبی برای خانواده‌های فقیر فراهم می‌شود و باعث می‌گردد تا وضعیت اقتصادی این خانواده‌ها به مرور زمان بهبود یابد و به همین ترتیب، باعث افزایش تولید ناخالص داخلی نیز گردد.

جهت اطمینان درست بودن متغیرها از آزمون‌های مشهور هم‌جمعی، چاو و هاسمن استفاده شده است که آزمون هم‌جمعی با سطح احتمال ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده رابطه بلندمدت بین متغیرهاست. آزمون چاو با سطح احتمال ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده داده‌های تلفیقی است و به ادامه آن آزمون هاسمن با سطح اطمینان ۰/۱۵۷۵ نشان‌دهنده رد فرضیه H_0 است؛ یعنی با احتمال ۱۵/۷۵٪ اثرات تصادفی و با احتمال ۸۴/۲۵٪ اثرات ثابت می‌باشد.

نتیجه تحقیق حاضر با نتایج مطالعات ملکی شهرپور (۱۳۹۷)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۷)، پی‌طبری و میل‌علمی (۱۳۹۳)، هاگورا و همکاران (۲۰۱۶)، کونتی (۲۰۱۵)، پیازا (۲۰۱۱)، و دیگران سازگاری داشته و نشان می‌دهد که تبعیض با رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی رابطه منفی و معنی‌دار دارد.

پیشنهادها

- جهت کاهش تبعیض بین استان‌های مرزی کشور، سیاست‌گذاران اقتصادی ملاک توزیع در بودجه بین مناطق را می‌باید براساس رفع نیازهای آموزشی و بهداشتی و افزایش اشتغال در این استان‌ها قرار دهند.

- باتوجه به نقش بهره‌وری نیروی کار بر رشد اقتصادی، سیاست‌گذاران اقتصادی کشور می‌باید از ابزارها و شیوه‌های نوین بومی جهت ارتقای نیروی انسانی بومی در مناطق مرزی استفاده کنند.

- استفاده از ظرفیت بازارچه‌های مرزی جهت معرفی محصولات صادراتی بومی این مناطق برای گردشگران و تجار داخلی و خارجی مناسب است.

- باتوجه به اینکه توزیع بودجه سالانه بین استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گلستان، هرمزگان و خراسان رضوی به نفع آنها نبوده است، در لوایح بودجه سنواتی، می‌باید به

این استان‌ها توجه ویژه صورت گیرد.

- توسعه آموزش‌های مهارتی در دانشکده‌های علمی - کاربردی متناسب با نیازهای مشاغل مختلف اقتصادی؛

- ترویج فرهنگ پرداخت زکات در رسانه‌های ملی، منطقه‌ای و شبکه‌های اجتماعی استان‌های مرزی؛

- استفاده ویژه از منابع قانون استفاده متوازن کشور و منابع تبصره ۱۸ قانون بودجه سنواتی برای ارتقای شاخص‌های آموزشی، بهداشتی و بیکاری استان‌هایی که طی این سال‌ها توزیع بودجه به نفع آنها نبوده است.

- استفاده از منابع ردیف‌های متفرقه بودجه سالانه برای توسعه زیرساخت‌های تولیدی و زیربنایی به‌ویژه در شهرستان‌های مرزی کشور.



منابع

- احمدزاده، خالد و نصری، شعله (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بر شکاف رشد اقتصادی در استان‌های ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال هشتم، ش ۳۰، بهار ۱۳۹۷: ۱۶۶ - ۱۴۵.
- اکبری، محسن؛ فرخنده، مهسا و کریمیان، فاطمه (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر کارگران دانشی بر صادرات کالا و خدمات نوآورانه: نقش تعدیل‌گر رقابت با توجه به توسعه‌یافتگی کشورها، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۹۱، تابستان ۱۳۹۸: ۹۰ - ۶۵.
- بادپا، مهدی (۱۳۹۸)، اثر زکات بر نابرابری درآمد در ایران، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، ش ۲، پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸: ۳۰۹.
- بای، ناصر؛ قنبرپور نصرتی، امیر و سلیمانی مقدم، رضا (۱۳۹۸)، نقش تبعیض در محیط کار بر سلامت ذهنی و عملکرد شغلی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه، فصلنامه مدیریت ورزشی، دوره ۱۱، ش ۲، تابستان ۱۳۹۸: ۲۵۰ - ۲۳۵.
- بهشتی، محمدباقر؛ محمدزاده، پرویز و جمشیدی، عدرا (۱۳۹۷)، بررسی نابرابری توزیع درآمد میان استان‌های ایران با استفاده از رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۸۵، سال بیست و ششم، بهار ۱۳۹۷: ۱۵۰ - ۱۰۹.
- پناهی، حسین؛ سلمانی، بهزاد و آل‌عمران، سیدعلی (۱۳۹۵)، تأثیر نابرابری جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی ایران، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵: ۶۱ - ۴۳.
- پی‌طبری، آتناپیک و میلاعلمی، زهرا (۱۳۹۳)، اثر تبعیض جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)، سال دوم، ش ۳، تابستان ۱۳۹۳: ۱۲۰ - ۹۵.
- جمالی، فیروز؛ قنبری، ابوالفضل و پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۹)، نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی - اقتصادی، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، ش ۲: صفحات ۱۴۱ - ۱۲۱.
- حیدری، حسن و حسن‌زاده، اکبر (۱۳۹۵)، رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵، ش ۶۳: ۱۲۵ - ۸۹.
- خداویسی، حسن؛ عزتی شورگلی، احمد (۱۳۹۵)، کاوشی در زمینه تأثیر مخارج جاری و عمرانی دولت بر تولید ناخالص داخلی ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۱، ش ۲، تابستان

۱۳۹۵: ۳۵۳ - ۲۲۷.

دژپسند، فرهاد؛ السادات حسینی، الهام و گلزاریان‌پور، سیاوش (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر رشد صادرات غیرنفتی بر رشد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی ایران، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دانشگاه شهید بهشتی، سال سوم، ش ۱۰، تابستان ۱۳۹۱: ۱۳۳ - ۱۰۹.

ریبیعی، مهناز؛ سلحشور، حمید و رضایی، علی افشار (۱۳۹۵)، عوامل موثر بر رشد اقتصادی ایران باتوجه به نقش شاخص‌های توسعه انسانی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری: ۱۱ - ۱.

رحمانی، تیمور (۱۳۹۳)، اقتصاد کلان، جلد اول، تهران، انتشارات برادران.

رحمانی، تیمور و کاوه، سپیده (۱۳۹۴)، آیا تبعیض جنسیتی عامل بازدارنده رشد اقتصادی کشورهاست؟. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۰، ش ۳، پاییز ۱۳۹۴: ۶۱۶ - ۵۹۳.

رضازاده، علی و فتاحی، فهمیده (۱۳۹۶)، تأثیر توسعه مالی بر اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد هم‌انباشتگی با لحاظ شکست ساختاری، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۳: ۶۳۹ - ۶۱۹.

سوری، علی (۱۳۹۲)، اقتصادسنجی پیشرفته، جلد دوم، تهران، نشر فرهنگ‌شناسی.

سوری، علی؛ ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد (۱۳۹۰) ف نااطمینانی در مخارج دولت و رشد اقتصادی، پژوهشنامه علوم اقتصادی علمی - پژوهشی، سال ششم، ش ۱۱: ۱۲۴ - ۱۰۷.

شاکری، عباس (۱۳۹۴)، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، جلد اول، تهران، انتشارات رافع.

شکرچی‌زاده، احمدرضا و حاجی‌اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۴)، مروری بر مدل‌های بهره‌وری نیروی انسانی و ارتباط آن با کیفیت خدمات در سازمان‌های خدماتی و دولتی، اولین کنفرانس ملی مدیریت راهبردی خدماتی: ۹ - ۱.

صبحی، احمد؛ دهقان شبانی، زهرا و شهنازی، روح‌اله (۱۳۸۹)، تأثیر بهره‌وری نیروی کار بر توزیع درآمد (مطالعه موردی در کشورهای منتخب)، مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، سال هجدهم، ش ۳۱، تابستان ۱۳۸۹: ۱۴۲ - ۱۱۹.

صدیقی، اچ. آر و ولولر، کی. ا (۱۳۸۶)، اقتصادسنجی رهیافت کاربردی، تهران، انتشارات آوای نور.

صمدی، علی‌حسین؛ دهقان شبانی، زهرا و مرادی کوچی، عاطفه (۱۳۹۴)، تحلیل فضایی تأثیر نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، ش ۱۹، تابستان ۱۳۹۴: ۷۲ - ۵۷.

عزتی، مرتضی (۱۳۹۲)، تبعیض اقتصادی بین‌منطقه‌ای در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال

- یکم، ش سوم، پاییز ۱۳۹۲: ۱۰۲ - ۷۷.
- عزتی، مرتضی؛ سیف، اله‌مراد و ملکی شهریور، مجتبی (۱۳۹۲)، شاخص‌سازی تبعیض اقتصادی به‌عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، سال شانزدهم، ش ۶۱، زمستان ۱۳۹۲: ۱۴۹ - ۱۱۷.
- عزتی، مرتضی؛ شهریاری، لیلا؛ نجفی، محدثه و شفیعی، علی (۱۳۹۲)، برآورد اثر تبعیض اقتصادی بین‌منطقه‌ای بر رشد اقتصادی استان‌های کشور، **فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، سال سوم، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۲: ۵۶ - ۳۹.
- فرامرزی، ایوب؛ دشتبان فاروجی، مجید، حکیمی‌پور، نادر، علی‌پور، صادق و جباری، امیر (۱۳۹۴)، بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی، مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو اوپک و سازمان همکاری‌های اقتصادی، **فصلنامه علوم اقتصادی**، سال ۹، ش ۳۲، پاییز ۱۳۹۴: ۱۲۲ - ۱۰۳.
- قاسمی، محمدرضا؛ اربابیان، شیرین؛ معینی، شهرام و سلیمی، بهاره (۱۳۹۴)، نحوه توزیع بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بین استان‌های ایران (۱۳۹۰ - ۱۳۷۹)، **فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه**، سال بیستم، ش ۱، بهار ۱۳۹۴: ۶۶ - ۳۷.
- کربلایی، محبوبه و کرمی، جهانگیر (۱۳۹۸)، پیش‌بینی خودکارآمدی براساس تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک‌شده و طرح‌واره‌های نقش جنسیتی زنان، **فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی**، ش ۳۶، زمستان ۱۳۹۸: ۸۸ - ۷۳.
- مجیدی، علی‌فقه و ابراهیمی، صلاح (۱۳۹۳)، **اقتصادسنجی کاربردی پانل دیتا با استفاده از Eviews8**، چاپ اول، تهران، انتشارات نور علم.
- محقق کابلی، قربانعلی (۱۳۷۹)، **رساله توضیح المسائل**، قم: دفتر معظم‌له.
- مریخ‌نژاد اصل، علی؛ حیدرزاده، کامبیز و منصوریان، یزدان (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل مؤثر بر واکنش‌های مصرف‌کنندگان به تبعیض‌های قیمتی: مطالعه‌ای تجربی، **فصلنامه علوم مدیریت ایران**، سال چهاردهم، ش ۵۴، تابستان ۱۳۹۸: ۱۰۴ - ۷۷.
- ملکی شهریور، مجتبی (۱۳۹۷)، تأثیر تبعیض اقتصادی بین‌منطقه‌ای بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه توسعه و راهبرد**، ش ۵۴، تابستان ۱۳۹۷: ۶۳ - ۳۰.
- ندیم، زهره؛ محقق‌نیا، محمدجواد و محرم‌اغلی، اویس (۱۳۹۸)، تأثیر نقدینگی و کارایی بر ریسک اعتباری در بانک‌های توسعه‌ای، **فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی**، سال هفتم، ش ۲۶، تابستان ۱۳۹۸: ۱۳۳ - ۱۰۵.
- نظری، حسن‌آقا (۱۳۸۳)، عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام، **مجله اقتصاد اسلامی**، سال چهارم،

تابستان ۱۳۸۳: ۸۱ - ۶۵.

نویخت، محمدباقر (۱۳۹۶)، روش تحقیق پیشرفته، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
یوسفی، محمدرضا؛ سجادی، سیدمحسن و خسروی‌زاده، مریم (۱۳۹۷)، بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی باتأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۲۳، تابستان ۱۳۹۷: ۱۳۵ - ۱۱۹.

- Antonio, Guterres(2019), International Day for the Elimination of Racial Discrimination 2019. Retrieved from <https://www.cepal.org/en/articles/2019-international-day-elimination-racial-discrimination-2019> & <https://www.un.org/en/events/racialdiscriminationday/>.
- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*. 5th Edition, New York: John Wiley and Sons.
- Bayar, Yilmaz; Aytemiz, Levent(2019). The Misery Index, Corruption and Income Inequality in Latin American Countries: A Panel Cointegration and Causality Analysis, *Scientific Annals of Economics and Business* vol(66), no(3), 2019, 309-319.
- Dahl, Malte; Krog, Niels(2018). Experimental Evidence of Discrimination in the Labour Market: Intersections between Ethnicity, Gender, and Socio-Economic Status. *European Sociological Review*, Volume 34, Issue 4, August 2018, Pages 402-417.
- Evenett, Simon J(2019), Protectionism, state discrimination, and international business since the onset of the Global Financial Crisis, *Journal of International Business Policy* (2019) 2, 9-36.
- Fayaz, Ali Shah;Jawad, Hussain; Wali, Rahman(2018). does gender discrimination affect turnover intention? empirical evidence from academia in pakistan, *City University Research Journal* Volume 08 Number 01 January 2018 PP 117-126.
- Ghatak, Sambuddha; Gold, Aaron (2015). Development, discrimination, and Domestic terrorism: Looking Beyond a linear relationship, *Conflict Management and Peace Science* pp.1-22.
- Hakura, Dalia; Mumtaz, Hussain; Newiak, Monique; Thakoor, Vimal; Yang, Fan (2016). Inequality, Gender Gaps and Economic Growth: Comparative Evidence for Sub-Saharan Africa, *IMF Working Paper*, African Department, WP/16/111.
- Konte, Maty(2015). Gender-based Financial Discrimination and Economic Growth in Developing Countries, *United-Nations University*. pp. 1-30.
- Kofi, Kerwin Charles; Jonathan Guryan (2007). *Prejudice and the economics of discrimination*, National BUREAU of economic research. Cambridge, MA 02138.
- Ozer, G; G, Mehmet (2010). The Effects of Discrimination Perception and Job Satisfaction on Turkish Public Accountants' Turnover Intention, *African Journal*

- of Business Management, vol-4, No-3, pp. 1500-1509.
- Piazza, J.A.(2011). Poverty, Minority Economic Discrimination and Domestic Terrorism, Journal of Peace Research, Vol-48, No-3, pp. 339-353.
- Tesfaye, Yodit (2010). the effect of discrimination on job Performance and job satisfaction, Wolverhampton Business School, University of Wolverhampton. pp.1-44.
- Volart, Berta Esteve(2004). Gender Discrimination and Growth, London School of Economics and political Science. pp.1-68.
- Verniers Catherine; Jorge Vala (2018). Justifying gender discrimination in the workplace: The mediating role of motherhood myths, Institute of Social Sciences, University of Lisbon, Portugal, and supported by a travel grant of the European Association for Social Psychology. pp 1-23.

